

تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی

همراه ۱۰۰۰ مصراع شعر عامیانه و تقطیع آن‌ها

امید طیب زاده

ویراست دوم

تحليل وزن شعر عاميانه فارسي

کتاب بهار ۵۲

زبان فارسي و زبان شناسي ايراني ۱۴

تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی

همراه ۱۰۰۰ مصراع شعر عامیانه و تقطیع آنها

ویراست دوم

امید طیب‌زاده

(پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

تجرب

تهران ۱۳۹۹



کتاب بهار: تهران، خیابان بهار، کوچه حمید صدیق، شماره ۲۵، واحد ۶
(تلفن: ۰۹۱۲ ۱۲۲ ۶۰۰۸ ۷۷ ۵۲ ۴۷ ۸۱)

تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی (همراه ۱۰۰۰ مصراع شعر عامیانه و تقطیع آن‌ها)

ویراست دوم

تألیف امید طیب‌زاده

چاپ اول ۱۳۹۹

شمارگان ۳۳۰

صفحه‌آرایی: دریاچه کتاب

طراح جلد: پاشا دارابی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ و مخصوص کتاب بهار است

سرشناسه:	طیب‌زاده، امید، ۱۳۴۰.
عنوان و نام پدیدآور:	تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی (همراه ۱۰۰۰ مصراع شعر عامیانه و تقطیع آن‌ها) / امید طیب‌زاده.
وضعیت ویراست:	ویراست ۲.
مشخصات نشر:	تهران: کتاب بهار، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	نورده، ۲۱۵ ص.
فروست:	کتاب بهار، ۵۲.
شابک:	زبان فارسی و زبان‌شناسی ایرانی، ۱۴. ۹۷۸-۶۲۲۷۰۶۷-۱۸-۷
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	شعر عامه فارسی -- تاریخ و نقد
موضوع:	Folk poetry, Persian -- History and criticism
موضوع:	عروض فارسی
موضوع:	Persian language -- Versification
موضوع:	شعر عامه فارسی -- ایران -- مجموعه‌ها
موضوع:	Folk poetry, Persian -- Iran -- Collections
ردم‌بندی کنگره:	PIR ۳۹۸۷
ردم‌بندی دیویی:	۳۹۸/۲۰۹۵۵
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۶۴۶۹۹۳۷

مراکز پخش: پیام امروز (۶۶ ۴۸ ۶۵ ۳۵)، صدای معاصر (۶۶ ۹۷ ۸۵ ۸۲)

۶۰,۰۰۰ تومان

تقديم به استاد

ابوالحسن نجفی

۴//۴ ۰----/۰-//۰--/۰--

سوار سوارک به توام

۴//(۴) ۰----/۰-//۰-----

غَمچین دور مارک به توام

۴//۴ ۰----/۰-//۰-----/۰-

آقای موشان را بگو

۴//۴ ۰----/۰-//۰-----/۰-

انبونه دوشان را بگو

۴//۴//۴//۱] ۰----/۰-//۰--/۰--//۰--//۰--//۰-//۰-۰۰۰۰ [یک دسته گل بهارت افتاده در آب

--۰۰--۰-۰-۰-۰-۰--

[۴//۴//۴//۱ ۰----/۰-//۰--/۰--//۰--//۰--//۰-//۰-۰۰۰۰ [برخیز و بیا که دودمان تو خراب]

--۰۰--۰-۰-۰-۰-۰--

(از یکی از روایت های خاله سوسکه در کاشان)

فهرست

پیش‌گفتار ویراست دوم	سیزده
پیش‌گفتار چاپ نخست	هفده
نمادها	نوزده
مقدمه	۱
۱ تعریف وزن شعر عامیانه فارسی	۱۱
۲ تحقیقات پیشین	۱۷
۱-۲ پرویز ناتل خانلری (۱۳۲۷)	۱۸
۲-۲ احسان طبری (۱۳۵۹)	۲۰
۳-۲ محمدامین ادیب طوسی (۱۳۳۲)	۲۰
۴-۲ تقی وحیدیان کامیار (۱۳۵۷)	۲۴
۵-۲ ساسان فاطمی (۱۳۸۲)	۲۹
۳ درباره رده‌شناسی وزن‌ها	۴۱
۴ توصیف وزن شعر عامیانه فارسی	۵۱
۱-۴ قاعده اصلی و مبانی وزن شعر عامیانه فارسی	۵۴
۱-۱-۴ پایه	۵۵
۲-۱-۴ رکن	۵۶
۳-۱-۴ هجاهای سکوت	۵۸
۴-۱-۴ ضرب بالا	۶۰
۲-۴ قواعد مطابقه	۶۲
۱-۲-۴ اختیارات شاعری (قواعد وزنی)	۶۳
۲-۲-۴ ضرورت شعری (قواعد زبانی یا نوایی)	۶۶
۳-۴ وزن‌های سر ضرب و وزن‌های ضرب بالا	۶۷
۱-۳-۴ فهرست وزن‌های سر ضرب	۶۷
۲-۳-۴ فهرست وزن‌های ضرب بالا	۶۸

- ۴-۴ وزن های بسط یابنده و وزن های ثابت ۶۸
- ۴-۴-۱ فهرست وزن های بسط یابنده ۶۸
- ۴-۴-۲ فهرست وزن های ثابت ۷۱
- ۴-۵ هم نشینی مصراع ها ۷۱
- ۴-۶ تغییر وزن ۷۲
- ۴-۷ مصراع های بلند ۷۴
- ۴-۸ هجای ضد ضرب ۷۵
- ۴-۹ ارتباط هجاهای ضرب آوا با تکیه واژگانی و با کمیت ۷۵
- ۴-۹-۱ ارتباط هجاهای ضرب آوا با تکیه واژگانی ۷۶
- ۴-۹-۲ ارتباط هجاهای ضرب آوا با کمیت هجاهای زبان ۷۷
- ۵ طبقه بندی وزن های شعر عامیانه فارسی ۷۹
- ۵-۱ طبقه بندی قدیم (طیب زاده ۱۳۸۲) ۷۹
- ۵-۲ معرفی طبقه بندی جدید ۸۱
- ۵-۲-۱ طبقه وزن های سر ضرب ۸۲
- ۵-۲-۲ طبقه وزن های ضرب بالا ۸۴
- ۵-۳ یادآوری چند نکته ۸۵
- ۵-۴ طبقه بندی جدید ۹۲
- ۵-۴-۱ طبقه وزن های سر ضرب ۹۲
- ۵-۴-۲ طبقه وزن های ضرب بالا ۱۰۲
- ۶ برخی تفاوت های وزن شعر عامیانه فارسی ۱۱۳
- ۷ ارتباط وزن شعر رسمی با وزن شعر عامیانه ۱۱۷
- ۸ تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی در چهارچوب واج شناسی نوایی ۱۲۳
- ۸-۱ واج شناسی نوایی ۱۲۳
- ۸-۲ واج شناسی نوایی و وزن شعر ۱۲۷
- ۸-۳ واحدهای سلسله مراتب وزنی شعر عامیانه فارسی ۱۳۰
- ۸-۳-۱ طبقه وزن های سر ضرب ۱۳۱
- ۸-۳-۲ طبقه وزن های ضرب بالا ۱۳۴
- ۸-۴ قواعد نگاشتی شعر عامیانه فارسی ۱۳۷
- ۸-۴-۱ موقعیت وزنی ۱۳۷
- ۸-۴-۲ پایه و رکن ۱۳۷
- ۸-۴-۳ مصراع ۱۳۸

- ۸-۵ قواعد مطابقه شعر عامیانه فارسی..... ۱۳۸
- ۸-۱۵ قواعد وزنی (اختیارهای شاعری)..... ۱۳۹
- ۸-۲۵ قاعده نوایی (ضرورت شعری)..... ۱۴۱
- ۹ نمونه‌هایی از شعرهای عامیانه فارسی..... ۱۴۳
- ۹-۱ درباره اشعار و تقطیع‌ها..... ۱۴۳
- ۹-۲ نمونه‌ها..... ۱۴۴
- ۱۰ شعر کلاسیک فارسی، شعری با دو خوانش وزنی متفاوت..... ۱۸۵
- متابع..... ۱۹۳
- واژه‌نامه فارسی - انگلیسی..... ۲۰۳
- واژه‌نامه انگلیسی - فارسی..... ۲۰۷
- نمایه..... ۲۱۱

پیش‌گفتار ویراست دوم

در سال ۱۳۷۸، از رساله دکتری خودم با عنوان تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی در گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران دفاع کردم، و چندی بعد در سال ۱۳۸۲، به اصرار استادام ابوالحسن نجفی، چاپ نخست این کتاب را که صورت بازنویسی شده همان رساله بود، منتشر کردم. از آن زمان تاکنون هیچ‌گاه از مباحث مربوط به وزن شعر و اندیشیدن درباره وزن شعر و مخصوصاً وزن شعرهای شفاهی و عامیانه غافل نبودم و همواره مترصد فرصتی بودم تا بتوانم، در ویراستی جدید، ایرادات بی‌شمار چاپ قبلی را برطرف و نکات جدیدی را که یافته بودم بدان اضافه کنم. حال بسیار خوشحالم که بالاخره توانستم، در ایام قرنطینه کرونا، آن کتاب را مجدداً بازبینی و بازنویسی کنم و ویراست دوم آن را تقدیم علاقه‌مندان نمایم. از زمان انتشار چاپ نخست این کتاب تاکنون، از مآخذ بسیاری در حوزه وزن شعر بهره بردم که بی‌گمان مهم‌ترین آن‌ها، کتاب کم‌حجم اما بسیار پرفایده و راه‌گشای ریتم کودکانه در ایران، اثر همکار فاضلم، آقای دکتر ساسان فاطمی، بود. جالب است که کتاب او نیز در سال ۱۳۸۲، یعنی درست در همان سالی منتشر شد که چاپ نخست کتاب بنده درآمده بود؛ بی‌گمان اگر آن کتاب اندکی زودتر منتشر شده بود و پیش از انتشار کتاب خودم به دستم رسیده بود، هم حاصل کارم سال‌ها بعد منتشر می‌شد، و هم چیز دیگری می‌شد جز آنچه در چاپ نخست آمده است! باری، از طریق کتاب دکتر فاطمی با مقاله بسیار مهم برلیو (۱۹۵۶/۱۹۸۴) آشنا شدم، و از آنجا به آثار مهم دیگری در حوزه وزن شعر عامیانه و کودکانه راه یافتم، همچون برلینگ (۱۹۶۶)، هیز و مک‌ایشرن (۱۹۹۸)، و آرویی (۲۰۰۹). این آثار که تماماً به بررسی وزن‌های زمانی اختصاص دارند، اطلاعات رده‌شناختی بسیاری را درباره ماهیت ضرب‌آهنگی و تکیه‌ای وزن در شعرهای شفاهی، که غالباً از زمره وزن‌های زمانی هستند، در اختیارم گذاشتند. علاوه بر این، برگزاری سه هم‌اندیشی مهم در حوزه وزن شعر و انتشار مقاله‌های ارائه‌شده در آن هم‌اندیشی‌ها در سه مجموعه مقاله، تحت عنوان کلی وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز (۱۳۹۰؛ ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۷)، و نیز راهنمایی رساله دکتری خانم دکتر مانده‌السادات میرطلایی (۱۳۹۷)، که به رده‌شناسی وزن‌های شفاهی ایران اختصاص داشت، اطلاعات بسیار ارزش‌مندی را درباره ویژگی‌های وزنی شعرهای شفاهی و عامیانه ایران در اختیارم گذاشتند. بحث‌هایی که با دوستان موسیقی‌دان خود داشتم، مخصوصاً با خانم دکتر نگار بوبان و رامین حیدریبگی و پسر عزیزم آریا طیب‌زاده، باعث شد تا هرچه بیشتر به ماهیت موسیقایی و ضربی این اشعار پی ببرم و بتوانم به شیوه دقیق‌تری برای بازنمایی وزن‌های عامیانه دست یابم. در پیش‌گفتار ویراست نخست این کتاب آورده بودم که «احساس می‌کنم هیچ‌گاه هیچ کاری به

پایان نمی‌رسد» و دیگر این که «سیستم‌ها، بیش از آن که حاصل اکتشاف باشند، حاصل اختراع‌اند»، و باید بگویم که اکنون نیز همان احساس و اعتقاد را دارم اما شاید از سنخ دیگری. در آن کتاب، به علت بی‌اطلاعی از مباحث نظری در حوزه وزن‌های شفاهی و عامیانه، و مخصوصاً به علت بی‌توجهی به اهمیت نُت‌های سکوت و مخصوصاً مقوله‌های ضرب بالا و ضدضرب و نقش مهم کمیت در وزن شعرهای عامیانه، آن گونه که باید به بسیاری از ویژگی‌های وزنی در این اشعار پی نبرده بودم، اما تصور می‌کنم در این کتاب توانسته باشم توصیف یک‌دست و نسبتاً جامعی از تمام وزن‌های رایج در شعر عامیانه فارسی به دست دهم. بنابراین ویراست نخست این کتاب حتی از عهده وظایف اصلی خودش هم بر نیامده بود اما تصور می‌کنم این ویراست، تصویری صحیح‌تر و کامل‌تر از وزن اشعار عامیانه فارسی به دست دهد به حدی که بتوان از آن برای ادامه راه و پرداختن به مباحث نظری عمیق‌تر در حوزه وزن شعر عامیانه فارسی و وزن دیگر اشعار شفاهی ایران استفاده کرد. نکته دیگری که مایلم در این پیشگفتار بدان اشاره کنم این است که شاید هنوز برخی از پژوهشگران، تحت تأثیر وزن کمی شعر عروضی فارسی، تصور کنند وزن شعر عامیانه فارسی نیز کمی یا عروضی است و نه زمانی و تکیه‌ای-هجایی. قطعاً آنان با جستجو در ساختار این شعر، دلایلی برای اثبات ادعای خود می‌یابند، اما این پژوهشگران باید توجه داشته باشند که برای اثبات چنین ادعایی، فقط یافتن چند نشانه کلی و بررسی چند مصراع یا چند قطعه شعر کفایت نمی‌کند و توصیف کامل هر وزنی، مانند توصیف هر پدیده زبانی دیگر، بیش از آن که مبتنی بر کلیات باشد، منوط به پرداختن به جزئیات و تبیین تک‌تک آن جزئیات در پیکره‌ای انبوه از شواهد گوناگون است. چنین توصیفی باید چند ویژگی داشته باشد: اول این که با اصول رده‌شناختی وزن‌های جهان هم‌خوانی داشته باشد؛ دوم این که بر اساس پیکره‌ای واقعی و مفصل صورت گرفته باشد و نه فقط بر اساس چند قطعه شعر برگزیده و محدود؛ و بالاخره سوم این که قواعد مطابقت آن روشن و محدود باشد. در واقع وقتی تحلیل‌های گوناگونی از پدیده واحدی وجود داشته باشد، نهایتاً آن تحلیلی به‌عنوان تحلیل صحیح و نهایی انتخاب می‌شود که به نحو کامل‌تری از هر سه ویژگی فوق برخوردار باشد، و نگارنده در این کتاب کوشیده است تا به چنین تحلیلی دست یابد. در این کتاب تنها بر اساس سه اختیار شاعری و یک ضرورت وزنی، تحلیل یک‌دستی از وزن پیکره‌ای بالغ بر ۱۰۰۰ مصراع شعر عامیانه فارسی عرضه شده است. چنان‌که خواهیم دید، طبق تحلیل ما، شعر عامیانه فارسی، مانند غالب شعرهای عامیانه و کودکانه در تمام زبان‌های جهان، دارای وزنی زمانی و تکیه‌ای است، اما این شعر در عین حال از این حیث که تکیه‌های وزنی‌اش بر روی هجاهای بلند یا سنگین قرار می‌گیرد، دارای ویژگی‌های وزنی خاص خود نیز هست. تذکر این نکته ضروری است که فصل هشتم کتاب حاضر به بررسی وزن شعر عامیانه فارسی در چهارچوب نظریه واج‌شناسی نوایی اختصاص دارد. این تنها فصلی از کتاب است که اندکی فنی است و خواننده برای خواندن و درک کامل آن نیاز به اطلاعات قبلی در حوزه

واج‌شناسی زایشی و اصطلاحات رایج در آن حوزه دارد، اما آنچه در این فصل عرضه شده کم‌وبیش تکرار همان مطالب فصل‌های پیشین و مخصوصاً فصل چهارم کتاب است منتها با صورت‌بندی و شکلی متفاوت؛ بنابراین خوانندگان ناآشنا با مباحث واج‌شناسی، یا خوانندگانی که علاقه چندانی به پیگیری موضوعات فنی مربوط به صورت‌بندی‌های نظری واج‌شناسی ندارند، می‌توانند این فصل را ناخوانده رها کنند بی‌آن‌که نگران از دست دادن مطالب توصیفی جدیدی باشند. باری، امیدوارم این کتاب مورد استفاده و نقد و ارزیابی علاقه‌مندان قرار گیرد و بحث وزن اشعار ایرانی را گامی بیشتر به پیش ببرد.

امید طیب‌زاده

۱۰ تیر ۱۳۹۹

پیش‌گفتار چاپ نخست

این کتاب صورت تجدیدنظرشده رساله دکتری نگارنده در رشته زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران است. پس از دفاع از رساله دکتری به تدریج متوجه ایرادات و کاستی‌های بی‌شمار آن شدم؛ و حال که، پس از پنج سال، مجدداً به کار این رساله پرداخته‌ام، احساس می‌کنم که هیچ‌گاه هیچ کاری به اتمام نمی‌رسد! هدف من در نگارش آن رساله و این کتاب، کشف سیستم واقعی وزن شعر عامیانه فارسی بود؛ و اینک به این نتیجه رسیده‌ام که سیستم‌ها، بیش از آن‌که حاصل اکتشاف باشند، حاصل اختراع‌اند. در هر حال سیستمی را در زمینه وزن شعر عامیانه پیشنهاد کرده‌ام که شاید بیش از سیستم‌های دیگر در این زمینه مبتنی بر پایه‌های واقعی باشد.

نگارش رساله دکتری را مدیون استادانی بوده‌ام که بی‌کمک آن‌ها شاید اصلاً وارد وادی وزن شعر نمی‌شدم. در اینجا می‌خواهم از استاد عزیزم دکتر یدالله ثمره که استاد راهنمایم بود و مرا در درک بسیاری از دقایق وزن شعر یاری داد، و از دکتر علی‌اشرف صادقی که با گشاده‌رویی بسیار مرا از دانش بی‌کران و مآخذ ارزشمند خود بهره‌مند ساخت سپاسگزاری کنم. اما باز پرداختن به آن رساله و نگارش کتاب حاضر را مدیون استادم ابوالحسن نجفی هستم که همواره مرا به این کار ترغیب می‌کرد و تقریباً هیچ بحث و استدلالی در این کتاب بی‌استعانت از توضیحات، تصحیحات، تقریرات و آثار ارزشمند وی از پیش نرفته است؛ از او نیز سپاسگزارم. همچنین از دکتر بروس هیز، استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه UCLA در آمریکا، و دکتر جلال خالقی مطلق، استاد گروه ایران‌شناسی دانشگاه هامبورگ در آلمان، که توضیحات و آثارشان در زمینه وزن شعر برای من بسیار راهگشا و سودمند بود قدردانی می‌کنم. در اینجا همچنین لازم می‌دانم از دوست عزیزم آقای حسین کریمی که برای انتشار این کتاب از هیچ مساعدتی فروگذار نکردند، و سعید شبستری که با سعه صدر و دقتی باورنکردنی کار سخت حروفچینی کتاب را در مدتی کوتاه به انجام رساندند تشکر و قدردانی کنم.

امید طیب‌زاده

تابستان ۱۳۸۲

نمادها

-	نُت چنگ (ل)
.-	نُت چنگ نقطه دار (ل)
+	نُت سیاه (ل)
=	نُت دولا چنگ (ل)
.	نُت سکوت چنگ (ل)
.۰	سکوت چنگ نقطه دار (ل)
Ø	هجای ضدضرب
-	کمیت بلند در شعر عروضی
۰	کمیت کوتاه در شعر عروضی
۰-	کمیت کشیده در شعر عروضی
(-----۰)	میزان یا رکن تک پایه پنج هجایی که با سرعت ادا می شود و زمانش معادل رکن چهارهجایی است
(-----)	میزان یا رکن تک پایه شش هجایی که با سرعت ادا می شود و زمانش معادل رکن چهارهجایی است
	مرز بین مصراع ها
/	مرز بین پایه ها
//	مرز بین رکن ها یا میزان ها
[...]	وزن تغییر یافته

مقدمه

از تکرار منظم الگوهای آوایی، ضرب آهنگی در شعر پدید می‌آید که آن را وزن می‌نامیم. این الگوهای آوایی، که بر اساس یکی از ممیزه‌های زبرزنجیری زبان مانند تکیه یا کمیت یا نواخت شکل می‌گیرند، در درون واحدهایی مانند پایه و رکن و شطر ظاهر می‌شوند. در هر زبانی غالباً از یکی از ممیزه‌های زبرزنجیری فعال همان زبان برای ساختن نظام یا نظام‌های وزنی استفاده می‌شود؛ مثلاً در شعر انگلیسی از ممیزه تکیه، که نقش مهمی در ایجاد تمایزهای معنایی در واژگان این زبان دارد، برای ایجاد وزن استفاده می‌شود؛ یا در شعر عروضی فارسی از ممیزه کمیت یا وزن هجا، که روزگاری نقش واجی برجسته‌ای در نظام واجی زبان فارسی بر عهده داشت، برای ایجاد وزن استفاده می‌شود و غیره. گاهی در ساختار بعضی از وزن‌ها به بیش از یک ممیزه زبرزنجیری برمی‌خوریم، اما در این موارد نیز غالباً فقط یکی از آن‌ها ممیزه اصلی محسوب می‌شود و ممیزه یا ممیزه‌های درگیر دیگر همه فرعی به حساب می‌آیند. مثلاً، چنان‌که خواهیم دید، ممیزه اصلی در وزن شعر عامیانه فارسی ممیزه تکیه است زیرا وزن از طریق تکرار منظم تکیه پدید می‌آید، اما ممیزه کمیت نیز در این وزن دارای نقشی ثانوی و فرعی است به حدی که بی‌توجهی به آن باعث می‌شود تا کار توصیف ناقص بماند. مهم‌ترین ویژگی ممیزه اصلی این است که از طریق تقابل‌های دوتایی ضعیف و قوی وزن را پدید می‌آورد؛ مثلاً در شعر رسمی انگلیسی، که در آن ارتباط محکمی بین تکیه وزنی و تکیه واژگانی وجود دارد، وزن صرفاً از طریق تقابل میان دو سطح از تکیه، یعنی تکیه قوی در مقابل تکیه ضعیف، شکل می‌گیرد؛ یا در شعر عامیانه فارسی، که در آن ارتباط محکمی بین تکیه وزنی و کمیت هجا وجود دارد، وزن صرفاً از طریق تقابل میان هجاهای دارای تکیه وزنی قوی در مقابل هجاهای فاقد تکیه وزنی شکل می‌گیرد. در هر شعری با استفاده از فرایندی به نام تقطیع می‌توانیم وزن، یا همان تقابل دوتایی میان ممیزه‌های زبرزنجیری قوی و ضعیف، را نمایش دهیم، و اساساً نام‌گذاری وزن‌های گوناگون جهان نیز به همین عامل اصلی در تقابل‌های دوتایی مربوط می‌شود؛ مثلاً وزن شعر عروضی فارسی را وزنی کمتی می‌نامیم، زیرا وزن در آن حاصل تقابلی دوتایی میان کمیت‌های بلند در مقابل کمیت‌های کوتاه است؛ یا وزن شعر رسمی انگلیسی را وزنی تکیه‌ای می‌نامیم، زیرا وزن در آن حاصل تقابلی دوتایی میان هجاهای دارای تکیه وزنی در برابر هجاهای فاقد تکیه وزنی است، و غیره. هدف از تقطیع هر وزن نیز این است که، براساس تقابل دوتایی میان ممیزه‌های زبرزنجیری درگیر در وزن، صورت اصلی آن وزن را نمایش دهد. باید توجه داشت که تقریباً

همواره برای رسیدن به صورت اصلی وزن لازم است که موارد مُجاز عدول از صورت اصلی وزن نیز تعیین شود؛ مثلاً صورت اصلی وزن در مصراع «زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست» از حافظ، طبق تقطیع نجفی، عبارت است از «فعلاتن فعلاتن فعلن»، اما طبق یکی از موارد مُجاز عدول از صورت اصلی وزن، این وزن در مصراع فوق به شکل «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» درآمده است. در این معنا تعیین دقیق تمام موارد مجاز عدول از صورت اصلی وزن نیز خود به بخشی از امر تقطیع و به بخشی از مطالعه و بررسی وزن شعر مبدل می‌شود.

وزن‌شناسی عبارت است از بررسی مسائلی مانند آنچه در بالا بدان اشاره کردیم؛ یعنی مواردی مانند این که ممیزه‌های اصلی و فرعی در هر نظام وزنی کدام‌اند، فهرست موارد مجاز عدول از وزن‌های اصلی در آن نظام وزنی کدام است، نسبت آن وزن با وزن‌های مشابه و متفاوت در نظام‌های وزنی دیگر به چه شکل است، آن وزن در چه بخشی از رده‌شناسی وزن‌های جهان قرار می‌گیرد، و غیره و غیره. در این کتاب می‌کوشیم تا مبانی وزن‌شناسی وزن شعر عامیانه فارسی را توصیف کنیم، اما پیش از آن ذکر نکاتی کلی در باره نحوه تعیین نوع وزن هر شعر ضروری است.

برای تعیین نوع وزن هر شعری به مجموعه‌ای از اطلاعات و امکانات نیاز داریم که بدون آن‌ها ذکر هر دیدگاهی در مورد شعر صرفاً نوعی حدس و گمانه‌زنی محسوب می‌شود. قبل از هر چیز به پیکره یا شواهد مفصلی از اشعار نیاز داریم تا براساس آن بتوانیم احتمالات گوناگون را بسنجیم و از میان آن‌ها، آن را که بیشتر از همه با واقعیت انطباق دارد برگزینیم. اگر پیکره ما ناچیز باشد، هیچ‌گاه به نظری قطعی و مشخص در مورد وزن شعر نمی‌رسیم. با دو مثال از گذشته زبان فارسی این بحث را روشن می‌کنیم:

قدیم‌ترین مرحله زبان دری به حدود قرن ۵ م، یعنی اواخر عهد ساسانی می‌رسد. از آن تاریخ تا حدود قرن ۹ م (۴هـ.ق)، که فارسی دری دارای نوشتار شد، با دوره‌ای حدود سه قرن خاموشی مواجهیم. از این قرون خاموش جز لغات و جملات و ابیات پراکنده‌ای که در برخی متون عربی، آن‌هم با تصحیفات بسیار، ذکر شده است چیز چندانی در دست نیست (رک. رمپس ۱۹۳۰؛ صادقی ۱۳۵۷: ۵۴-۹۹؛ ریپکا و دیگران ۱۳۸۱: ۱۸۷-۲۰۲). این مقدار اندک شاید برای تعیین ویژگی‌های مهم صرفی و نحوی فارسی دری در دوره‌های آغازین آن کم‌وبیش کفایت کند، اما برای تعیین وزن اشعار این زبان مطلقاً کافی نیست. اشعار باقی‌مانده از این دوره تقریباً محدود به موارد زیر است (برای توضیحات مفصل در مورد ویژگی‌های زبانی این اشعار، رک. صادقی ۱۳۵۷: ۵۴-۹۹):

۱. شعر منسوب به بهرام گور، از کتاب المسالک و الممالک، اثر ابن خردادبه، قرن ۳ هـ.ق:

منم شیر شلنبه

و منم ببر تله

۲. سرود مردم بخارا مربوط به اواسط قرن ۱ هـ، از کتاب اسماء المغتالین، اثر ابوجعفر محمدبن حبیب بغدادی، قرن ۳ هـ، به نقل از صادقی (۱۳۵۷: ۶۶):

کور خمیر آمد
خاتون دروغ‌گنده

۳. شعر منسوب به یزیدبن مفرغ حمیری، شاعر اواسط قرن ۱ هـ، از کتاب تاریخ الرسل و الملوک، اثر طبری:

آب است و نبیذ است
عصارات زیب است
سمیه روسبید است

۴. شعر کودکان بلخ مربوط به اوایل قرن ۲ هـ، از کتاب تاریخ الرسل و الملوک:

از ختلان آمدیه
برو تباه آمدیه
آبار باز آمدیه
خشک نزار آمدیه

۵. شعر منسوب به ابوالینبغی عباس بن طرخان، شاعر قرن ۲ و اوایل قرن ۳ هـ، از کتاب المسالک و الممالک:

سمرقند کند مند
بزینت کی افکند
از شاش نه بهی
همی شه نه جهی

طبیعی است که از روی این چند قطعه شعر (نیز رک. رمیس ۱۹۳۰) هرگز نمی‌توان به قطعیت وزن اشعار فارسی دری را در دوره‌های آغازین آن مشخص کرد، کما این که علی‌اشرف صادقی این اشعار را غیرعروضی می‌داند (صادقی ۱۳۶۳)، احمدعلی رجائی بخارایی (۱۳۵۵: ۵۴) و ملک‌الشعرا بهار (۱۳۵۱) آن‌ها را عروضی عنوان می‌کنند، و ادیب طوسی با تفصیل بسیار کوشیده است تا ثابت کند که وزن این اشعار هجایی-ضربی است و کمیت هم در وزن آن‌ها نقش دارد (رک. ادیب طوسی ۱۳۳۲).

عیناً همین وضعیت در مورد وزن اشعار مربوط به فارسی میانه یا پهلوی صادق است. براساس آثار محدودی چون درخت آسوریک و یادگار زیران، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد وزن شعر پهلوی و پارتی وجود دارد. بنونیست (۱۹۳۰: ۱۹۳-۲۲۵) و نیبرگ (۱۹۲۹: ۱۹۳-۲۱۰) وزن این اشعار را هجایی می‌دانند، هنینگ (۱۹۵۰: ۶۴۱-۶۴۸) این اشعار را تکیه‌ای می‌داند، و ملک‌الشعراى بهار (۱۳۵۱: ۶۸-۷۴) و خانلری (۱۳۴۵: ۳۸-۷۵) این اشعار را کتبی می‌دانند (نیز رک. خالقی مطلق ۱۳۶۹: ۴۶-۶۳؛ رپیکا و دیگران ۱۳۸۱: ۱۹۵-۱۹۶؛ ابوالقاسمی ۱۳۷۴: ۶۴، ۱۰۱-۱۰۸). شاید تصادفی نباشد که محققان فرانسوی وزن شعر پهلوی را، همانند وزن شعر فرانسوی، هجایی می‌دانند؛ هنینگ، که آلمانی‌زبان است، وزن شعر پهلوی را مانند وزن شعر آلمانی تکیه‌ای به حساب می‌آورد؛ و عروض دانانی چون بهار و خانلری، که ذهنشان مألوف و مانوس وزن عروضی است، وزن این شعر را کتبی یا عروضی می‌دانند. (نیز رک. طبیب‌زاده ۱۳۹۸: ۳۳۹-۳۵۵) وقتی شواهد اندک باشد، چاره‌ای جز گمانه‌زنی و خیالپردازی نمی‌ماند، و در این حال ذهن خودبه‌خود به سمت انگاره‌های مألوف‌تر، یعنی همان انگاره‌های زبان مادری می‌رود. (رک. تروبتسکوی ۱۹۵۰)

اما مشکل تعیین وزن اشعار آغازین دری یا اشعار پهلوی فقط به محدود بودن شواهد آن‌ها مربوط نمی‌شود؛ مشکل مهم دیگر این است که آن‌ها تنها به‌صورت نوشتار به دست ما رسیده‌اند و خط‌هایی که این سروده‌ها بدان‌ها نگاشته شده‌اند خط‌هایی نارسا هستند که حتی ویژگی‌های واجی زبان‌های مورد بحث را هم به‌درستی منعکس نمی‌کنند، چه رسد به ویژگی‌های زبرزنجیری آن‌ها (مانند تکیه، کشش و نواخت) را. برای تعیین وزن هر شعری باید آن را بشنویم؛ پیکره یا شواهد نوشتاری، هر قدر هم که انبوه و فراوان باشد، به‌تنهایی برای تعیین وزن شعر کافی نیست. هیچ خطی و ویژگی‌های زبرزنجیری را چنان‌که باید منعکس نمی‌سازد، و می‌دانیم که وزن شعر اصولاً امری ملفوظ و نه مکتوب است که براساس ویژگی‌های زبرزنجیری زبان‌ها به وجود می‌آید.

اما حتی شنیدن هم به‌تنهایی برای درک و تعیین وزن شعر کافی نیست. مثلاً پنج بحر طویل و بسیط و مدید و وافر و کامل در میان عرب بسیار رایج و مطبوع است، اما به گوش فارسی‌زبانان نه‌تنها مطبوع، بلکه حتی موزون هم نمی‌آیند. به‌عنوان مثال، «فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن»، که اساس بحر طویل در شعر عرب است، به گوش فارسی‌زبانان مطلقاً مطبوع و موزون نیست و جز چند بیت که به تفتن یا برای طبع آزمایی یا برای آموزش در کتاب‌های عروض آمده، شعری به فارسی بدین وزن سروده نشده است (رک. سیفی و جامی ۱۳۷۲: ۳۳-۷۱؛ نجفی ۱۳۵۹: ۵۹۲). به اعتقاد بوعلی سینا، علت این‌که فارسی‌زبانان برخی از اوزان عرب را درک نمی‌کنند این است که بدان اوزان عادت نداشته‌اند (میرصادقی ۱۳۷۳). شمس قیس حتی معتقد است که این امر از زمره اسرار غیبی است و انسان هیچ‌گاه نمی‌تواند علت آن را دریابد (شمس قیس رازی ۱۳۳۶)؛ در مورد نظر شمس قیس سخن نمی‌توان گفت، اما نظر

بوعلی سینا را به راحتی می توان رد کرد: اگر ذهن، تنها برحسب عادت، بعضی اوزان را موزون و بعضی از ناموزون می داند، چگونه است که برخی اوزان نامستعمل که برای اولین بار به کار گرفته می شود به گوش او موزون می آید، اما اوزانی که قرن ها از عمر آن ها می گذرد و اشعاری هم بدان ها سروده شده، هیچ گاه به گوش وی موزون نمی آید؟ مثلاً ترکیب «مستفععلن فعلاتن دوبار»، که تا پیش از ملک الشعرای بهار رایج نبوده، در شعری با مطلع زیر از او مقبول می افتد:

بر تختگاه تجرد سلطان نامورم من
با سیرت ملکوتی در صورت بشرم من

اما ترکیب نامستعمل «متفاععلن مستفععلن دوبار»، با وجود تأیید بعضی کتاب های عروضی، مقبول نمی افتد (نجفی ۱۳۵۹: ۵۹۳-۵۹۴). هرچه ویژگی های زبر زنجیری و ساخت های هجایی یک وزن برای شنونده ای ناآشنا تر باشد، احساس و درک او از آن وزن سخت تر خواهد شد. نامطبوع بودن بعضی از اوزان عرب برای فارسی زبانان احتمالاً ناشی از همین مسئله باشد (در این مورد نیز، رک. الول ساتن ۱۹۷۶: ۶۵-۷۴). بیهوده نیست که آموزش وزن شعر رسمی به خارجی ها همواره پس از طی عالی ترین مراحل زبان آموزی صورت می پذیرد، زیرا برای درک وزن و تعیین نوع آن، نه فقط باید آن وزن را در قالب اشعار گوناگون و متعدد شنید، بلکه باید به اصطلاح اهل آن وزن نیز بود. دکتر خانلری در این زمینه از قول پروفیسور مار، مستشرق روسی، می آورد: «... اما شعر عامیانه امروزه مردم ایران را می توان شنید. بنده خودم مکرر شنیده ام و در خصوص هجایی محض بودن آن جداً مردد می باشم ... تا زمانی که اشعار ملی و محلی ایران از آهنگ سرود و گفتگوی عادی جداگانه تحقیق و تدقیق نگردد و تا موقعی که محققان زاینده همان محیط به این تحقیق نپردازند ما در این باب به طور قطعی هیچ چیز نمی توانیم گفت».

(خانلری ۱۳۷۳: ۶۴؛ نیز رک. مار ۱۳۱۳)

اما توصیف صحیح یک وزن فقط در گرو درک کامل آن نیست. این که افراد تلقی های کاملاً متفاوت از یک واقعیت یا امر مشخص داشته باشند نه تازگی دارد و نه فقط به بحث وزن شعر مربوط می شود. هرگاه در علوم چند توصیف گوناگون از پدیده مشترکی به موازات هم وجود داشته باشد، غالباً پس از مدتی توصیفی به عنوان توصیف صحیح تر انتخاب خواهد شد که هم ساده تر باشد و هم شمول بیشتری داشته باشد و با واقعیات دیگر بیشتر همخوانی داشته باشد. در زمینه وزن شعر نیز بسیار اتفاق افتاده است که دو وزن شناس اهل زبان و وزن، توصیف های کاملاً متفاوتی از وزن واحدی به دست بدهند. مثلاً وزن شعر آلمانی را، همچون وزن شعر یونانی و لاتینی باستان، وزن کمی یا عروضی می دانستند، اما در اواسط قرن ۱۹ وزن شناسی به نام کارل لاخمان احتمال تکیه ای بودن وزن شعر آلمانی را مطرح کرد و بلافاصله نظر وی طرفداران بسیاری پیدا کرد. این دو دیدگاه متفاوت به مدت چند دهه به موازات هم وجود داشت،

تا این‌که بالاخره در اواخر قرن ۱۹ نظریه لآخمان سیطره بیشتری یافت و دیدگاه عروضی را تا حد بسیار زیادی از میدان به‌در کرد. البته هنوز هم در برخی مدارس سنتی و مراکز آموزشی مذهبی آلمانی، که برای زبان لاتینی باستان اهمیت و اعتبار زیادی قائل‌اند، وزن شعر آلمانی به‌صورت وزنی کمتی تدریس می‌شود، اما در مدارس جدید و دانشگاه‌ها و کلیه مراکز علمی، وزن شعر آلمانی را وزنی تکیه‌ای می‌دانند و آن را به‌شیوه ساده‌تر و جامع‌تر لآخمان و پیروان او توصیف می‌کنند (فری ۱۹۹۶: ۲۰). در مورد وزن شعر عامیانه فارسی نیز شاهد چنین وضعیتی هستیم، و چنان‌که خواهیم دید، در مورد این وزن هم نظرهای گوناگونی وجود دارد، به حدی که مثلاً ادیب طوسی وزن این شعر را تکیه‌ای، و وحیدیان کامیار وزن آن را کمتی یا عروضی می‌دانند!

اما در تعیین نوع وزن هر شعر باید به یک عامل نظری مهم دیگر نیز توجه داشت که اهمیت آن به‌هیچ‌وجه کم‌تر از عوامل عینی فوق نیست: نتیجه تحقیقات ما در مورد تعیین نوع هر وزنی باید از حیث موازین رده‌شناختی، با نتایج به‌دست‌آمده در مورد بقیه وزن‌ها در زبان‌های دیگر نیز مطابقت و هم‌خوانی داشته باشد. اهمیت این نکته به‌حدی است که به‌جرت می‌توان گفت اگر در هریک از حوزه‌های زبان‌شناسی به تحقیقی نظریه‌بنیاد از زبان فارسی برخوردیم که تصویری متفاوت با تمام زبان‌های دیگر جهان به دست داده باشد، باید یا در صحت آن تحقیق و مبانی توصیفی‌اش تردید کرد، یا در جامع بودن نظریه مورد استفاده‌اش! بنابراین توجه به جهانی‌های وزن‌شناسی نیز نقش بسیار مهمی در تعیین نوع وزن هر شعر دارد. مثلاً، چنان‌که خواهیم دید، امروزه طبق تحقیقات دانشمندانی چون بریلیو (۱۹۵۶؛ ۱۹۸۴) و برلینگ (۱۹۶۶) و آرنلو (۲۰۰۱) و آروبی (۲۰۰۹)، می‌دانیم که وزن اشعار عامیانه و کودخانه در قریب به اتفاق زبان‌های جهان وزنی زمانی و تکیه‌ای است، حال اگر پژوهش‌گری به این نتیجه برسد که وزن شعر عامیانه فارسی در این میان استثنائاً کمتی یا عروضی است و نه زمانی و تکیه‌ای، یا باید نظر آن پژوهش‌گر را اشتباه دانست، یا باید تعدیل و تغییری در مطالعات رده‌شناسی در حوزه وزن شعر پدید آورد! پس مجموعه اطلاعات لازم برای تعیین نوع وزن شعر را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. وجود پیکره یا شواهد انبوهی از اشعار؛
۲. مسموع بودن پیکره، یعنی این‌که بتوان اشعار را شنید و مبنای کار تحلیل فقط بر نوشتار استوار نباشد؛

۳. اهل زبان و اهل وزن بودن محقق که به بررسی وزن شعر می‌پردازد؛

۴. انتخاب ساده‌ترین شیوه توصیف از میان شیوه‌های گوناگون؛

۵. مطابقت داشتن نتیجه تحقیقات با دیگر پژوهش‌های مرتبط از حیث موازین رده‌شناختی.

در این تحقیق از بیش از هزار مصراع شعر عامیانه به لهجه فارسی تهرانی به‌عنوان پیکره بهره‌جسته‌ایم. این اشعار، که غالب آن‌ها را در فصل پایانی کتاب آورده‌ایم، از افواه یا مأخذ مکتوب گوناگون گردآوری

شده‌اند، و در میان آن‌ها از قدیم‌ترین تا جدیدترین اشعار عامیانه فارسی وجود دارد. برای دستیابی به قرائت صحیح اشعار مکتوب، علاوه بر ششم وزنی خود، از کمک گویشوران بسیاری در سنین گوناگون نیز استفاده کرده‌ایم. غالب این گویشوران، با شنیدن یا خواندن نخستین مصراع، خود تا انتهای شعر را از بر می‌خواندند؛ از این‌رو، در صحت وزن این‌گونه اشعار جای کمترین تردیدی وجود ندارد. چنان‌که خواهیم دید، پژوهش‌گرانی که وزن شعر عامیانه را کمی یا عروضی دانسته‌اند، برای توصیف این وزن، علاوه بر قواعد حاکم بر وزن شعر عروضی، از چندین و چند قاعده من‌عندی دیگر نیز استفاده کرده‌اند، در حالی که ما در این کتاب تنها با چهار قاعده وزنی و زبانی ساده، وزن تمام اشعار پیکره‌انبوه خود را به سادگی توصیف می‌کنیم. و نهایتاً این‌که طبق توصیف ما، وزن شعر عامیانه فارسی مانند، وزن اشعار عامیانه و کودکانه در تقریباً تمام دیگر زبان‌های جهان، وزنی زمانی و تکیه‌ای است. باری، کتاب حاضر مشتمل بر ۱۰ فصل است که در اینجا به اختصار نکاتی را درباره آن‌ها بیان می‌کنیم.

در فصل نخست، ضمن برشمردن ویژگی‌های وزن شعر عامیانه فارسی، بحث کرده‌ایم که مهم‌ترین ویژگی یا عاملی که شعر عامیانه فارسی را از شعر عروضی کلاسیک فارسی متمایز می‌کند به وزن آن مربوط می‌شود و ویژگی‌های دیگر در این میان چندان اهمیتی ندارند.

در فصل دوم، با عنوان «تحقیقات پیشین»، پنج دیدگاه گوناگون را در مورد وزن شعر عامیانه فارسی معرفی و نقد کرده‌ایم (خانلری ۱۳۲۷، ۱۳۳۷؛ طبری ۱۳۵۹؛ ادیب طوسی ۱۳۳۲؛ وحیدیان کامیار ۱۳۵۷؛ و فاطمی ۱۳۸۲)، و دستاوردهای هریک از این تحقیقات را به تفصیل برشمرده‌ایم. در این فصل نهایتاً به این نتیجه رسیده‌ایم که از میان این محققان، ادیب طوسی (۱۳۳۲) و ساسان فاطمی (۱۳۸۲) بهتر و دقیق‌تر از دیگران به ویژگی‌های وزن در این اشعار پی برده‌اند و کتاب حاضر نیز در ادامه و تکمیل تحقیقات همین دو نفر نگاشته شده است.

فصل سوم کتاب به بحث رده‌شناسی وزن‌ها اختصاص دارد. در این فصل ابتدا تعریفی از وزن شعر به دست داده‌ایم و سپس به مجادله قدیم بین دو دسته از پژوهش‌گران حوزه وزن شعر، یعنی ضرب‌گرایان و وزن‌گرایان، پرداخته‌ایم. ضرب‌گرایان وزن شعر را زیرمقوله موسیقی می‌دانستند، اما وزن‌گرایان معتقد بودند وزن شعر زیرمجموعه پدیده‌های زبانی است. سپس نشان دادیم که این اختلاف نظر امروزه در مباحث رده‌شناسی وزن‌های شعر تا حد زیادی از میان رفته و شکلی منطقی‌تر به خود گرفته است: امروزه وزن‌ها را به دو دسته متفاوت وزن‌های نوایی (یا زبانی) و وزن‌های زمانی تقسیم می‌کنند. مهم‌ترین تفاوت این دو دسته وزن در این است که وزن‌های نوایی عمدتاً بر اساس ممیزه‌ها زبرزنجیری زبان همچون تکیه و کشش و نواخت توصیف می‌شوند، اما در توصیف وزن‌های زمانی، علاوه بر ممیزه‌های زبرزنجیری زبان، از مفاهیم و اصطلاحات رایج در حوزه ضرب‌آهنگ (ریتم)، مانند سرعت، نُت سکوت، میزان‌های ضرب بالا، ضدضرب و تکیه وزنی و مانند آن نیز استفاده می‌شود. سپس بحث کرده‌ایم که وزن شعر

عامیانه فارسی، مانند وزن شعرهای عامیانه در قریب به اتفاق زبان‌های دنیا، از زمره وزن‌های زمانی است و توصیف کامل آن بدون بهره‌گیری از اصطلاحات و مفاهیم موسیقی و ضرب‌آهنگ میسر نیست. پس باید توجه داشت که «ضرب‌گرا» بودن ما در تحقیق حاضر دلیلی ندارد جز ضربی بودن ماهیت آن وزنی که بررسی می‌کنیم؛ یعنی اگر قرار بود وزنی نوایی همچون وزن شعر عروضی فارسی را بررسی کنیم آنگاه، باز به علت ماهیت موضوع مورد بحث، جانب «ضرب‌گرایی» را رها می‌کردیم و در زمره «وزن‌گرایان» در می‌آمدیم! باری، در این فصل پس از معرفی و نقد آراء محققان گوناگون در حوزه رده‌شناسی وزن‌ها (مثلاً، لاتر ۱۹۶۰، ۱۹۷۲؛ بریلیو ۱۹۵۶، ۱۹۸۴؛ برلینگ ۱۹۶۶؛ و آرتلو ۲۰۰۱)، به شرح آراء و انگاره رده‌شناسی آروبی (۲۰۰۹) پرداخته‌ایم که انگاره اصلی ما در کتاب حاضر نیز بوده است.

در فصل چهارم، که بخش اصلی کتاب حاضر است، نشان داده‌ایم که وزن شعر عامیانه فارسی مطلقاً وزنی کمی یا عروضی، مانند وزن شعر کلاسیک فارسی، نیست، زیرا در وزن شعر عروضی نه ضرب‌آوا یا تکیه وزنی وجود دارد و نه هجای سکوت، در حالی که توصیف کامل وزن شعر عامیانه بدون استفاده از چنین مفاهیمی، که خاص وزن‌های زمانی و تکیه‌ای است، امکان‌پذیر نیست. آن عاملی که وقوع مکرر و نظم‌مندش وزن را در شعر عامیانه فارسی پدید می‌آورد، چیزی جز تکیه وزنی نیست و به همین اعتبار وزن این شعر را باید تکیه‌ای دانست. در این فصل توصیفی ساده و جامع از وزن شعر عامیانه فارسی به دست داده‌ایم که در آن تنها با استفاده از سه اختیار شاعری (قاعده وزنی)، و یک ضرورت شعری (قاعده زبانی یا نوایی) می‌توان وزن تمام اشعار عامیانه فارسی را توصیف کرد. مزیت دیگر این شیوه توصیف این است که با جهانی‌های رده‌شناختی وزن در مورد دیگر شعرهای عامیانه و کودکانه جهان مطابقت و همخوانی دارد.

در فصل پنجم انگاره ساده‌ای را برای طبقه‌بندی انواع گوناگون وزن‌های شعر عامیانه پیشنهاد کرده‌ایم. در این طبقه‌بندی، ابتدا وزن‌ها را به دو طبقه کلی وزن‌های «سر ضرب» و وزن‌های «ضرب بالا یا آناکروز» تقسیم کرده‌ایم. وزن‌های سر ضرب وزن‌هایی هستند که میزان یا رکن اولشان کامل است و با هجای سکوت آغاز نمی‌شود، اما وزن‌های ضرب بالا، برعکس، وزن‌هایی هستند که میزان یا رکن آغازیشان ناقص است چون با هجای سکوت آغاز می‌شوند. سپس، در هریک از دو طبقه فوق، وزن‌ها را بر حسب تعداد رکن‌هایشان، از کوچک به بزرگ، مرتب کرده‌ایم. مزیت این شیوه طبقه‌بندی در این است که در آن تمام وزن‌های مشابه، یعنی وزن‌هایی که می‌توانند در درون شعری واحد کنار هم قرار بگیرند، یک جا و کنار هم ظاهر می‌شوند.

فصل ششم کتاب به مقایسه مختصر وزن شعر عامیانه فارسی و وزن شعر عامیانه و کودکانه انگلیسی اختصاص دارد. نگارنده تاکنون به انگاره نظری دقیقی برخورد نکرده است که در آن انواع وزن‌های زمانی

از حیث رده‌شناختی بررسی شده باشد، بنابراین از این فصل می‌توان به‌عنوان مقدمه‌ای برای آشنایی با رده‌بندی وزن‌های زمانی استفاده کرد. دیگر این‌که پی‌گیری مطالعات نظری در حوزه وزن‌شناسی بدون آشنایی با دو وزن رایج در زبان انگلیسی، یعنی وزن نوایی تکیه‌ای در اشعار رسمی انگلیسی و وزن زمانی تکیه‌ای رایج در اشعار کودکان آن زبان، میسر نیست، پس از این فصل می‌توان به‌عنوان درآمدی مختصر برای آشنایی با وزن کودکان اشعار انگلیسی نیز استفاده کرد.

در فصل هفتم به ریشه‌یابی شباهت‌های دو وزن عروضی و عامیانه فارسی پرداخته‌ایم و کوشیده‌ایم تا ثابت کنیم که در اوایل شکل‌گیری زبان فارسی دری به‌عنوان زبان رسمی ایران، وزن عروضی را شاعران عربی‌دان و عربی‌سرای دربارها، به‌دنبال یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی، از روی وزن عروضی شعر عرب و با بهره‌گیری از شکل پایه‌ها و رکن‌های شعر عامیانه فارسی به وجود آوردند. وجود مصوت‌های بلند و کوتاه نقش‌مند در آن دوره زبان فارسی، شکل‌گیری چنین وزنی را محتمل می‌ساخت. گفتنی است که در این تحقیق کوشیده‌ایم تا از رویکردی کاملاً هم‌زمانی استفاده کنیم، اما واقعیت این است که کشیدن خط فارق دقیقی میان بررسی‌های هم‌زمانی و درزمانی، اگر میسر هم باشد، سودمند نیست. زبان فارسی ازجمله زبان‌هایی در جهان است که به‌طور هم‌زمان دارای دو وزن گوناگون است: یکی وزن عروضی اشعار رسمی و دیگری وزن تکیه‌ای-هجایی اشعار عامیانه. تشابهات میان این دو نوع وزن متفاوت در زبان فارسی بیش از آن است که بتوان آن را صرفاً زائیده تصادف دانست. برای پرداختن به این تشابهات و تبیین آن‌ها، چاره‌ای جز روی آوردن به مباحث تاریخی نیست. این دو وزن قرن‌هاست که در ایران در کنار هم وجود داشته‌اند و، به‌رغم شباهت‌های فراوانشان، هرکدام از حیث ساختار و قلمرو فرهنگی و ویژگی‌های خودش را دارا بوده است. قطعه شعری که در آغاز کتاب آورده‌ایم از موارد هم‌نشینی این دو نوع وزن را نشان می‌دهد.

در فصل هشتم، ابتدا به‌اختصار مبانی واج‌شناسی نوایی را معرفی کرده‌ایم و سپس کوشیده‌ایم تا براساس آراء سلکیرک (۱۹۷۸، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱)، نسپور و فوگل (۱۹۸۶، ۲۰۰۷)، و هیز (۱۹۸۹)، وزن شعر عامیانه فارسی را در چهارچوب این نظریه بررسی و توصیف کنیم. بازنمایی ساخت سلسله‌مراتبی وزن‌های رایج در شعر عامیانه در قالب نمودارهای درختی، شرح قواعد نگاشتی، یا پیوندهای متناظر میان سازه‌های دو ساخت نوایی و وزنی در وزن شعر عامیانه فارسی، و نهایتاً استخراج و صورت‌بندی قواعد مطابقت این وزن در قالب دو دسته قواعد وزنی (اختیارات شاعری) و قواعد نوایی (ضرورت‌های شعری)، از دیگر مباحث این فصل است.

فصل نهم، شامل حدود ۱۰۰۰ مصراع شعر عامیانه به همراه تقطیع آن‌هاست. اشعار این فصل را به‌ترتیب حروف الفبای مصراع نخست آن‌ها تبویب کرده‌ایم. کوشیده‌ایم تا اشعاری را در این فصل بگنجانیم که در میان مردم متداول بوده و سینه‌به‌سینه به دوره حاضر رسیده است. همچنین برخی از

سروده‌های شعرای معاصر، همچون دهخدا، بهار، نیما، شاملو و فروغ فرخزاد، را که به وزن تکیه‌ای-هجایی بوده، در این فصل به‌عنوان نمونه آورده‌ایم. امروزه اشعار کودکانه در تقریباً تمام کتاب‌های شعر کودکان به وزن تکیه‌ای-هجایی است؛ از آوردن این اشعار در فصل حاضر خودداری کرده‌ایم، زیرا حجم این فصل را چند برابر بیشتر می‌کرد.

فصل دهم، که فصل پایانی کتاب حاضر است، درواقع مدخلی است برای پرداختن به بحث درباره‌ی وزن فاخر شعر عروضی. وزن شعر کلاسیک فارسی از حیث ساخت پایه‌هایش براساس ویژگی‌های وزن شعر عامیانه شکل گرفته است و اصلاً به همین دلیل است که شعر کلاسیک فارسی از قدیم دارای دو خوانش متفاوت افاعیلی (کَمّی) و اتانینی (تکیه‌ای) بوده است. در این فصل نشان می‌دهیم که چگونه هم به علت تحول زبان و از بین رفتن ارزش واجی مقوله‌کمیت در زبان فارسی، و هم به علت ضعیف شدن نقش شعر در زندگی فرهنگی ایرانیان، خوانش فاضلانه افاعیلی ضعیف‌تر شده و درعوض خوانش عامیانه اتانینی قوت گرفته و شیوع یافته است. بحث درباره‌ی ضرورت احیای خوانش افاعیلی و اهمیت این خوانش در تاریخ فرهنگی ایرانیان از مباحث پایانی کتاب است.